



مفکته دوره

دیه و چالش‌های آن در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

او داده می‌شود تعریف شد. اعیان شش‌گانه مبنای پرداخت دیه متعین شده بود. دیه قتل زن مسلمان؛ در دیه اعضا مقرر می‌داشت: «دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد، در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد است». تأثیر تفاوت عقیده دینی در پرداخت دیه؛ از چالشی‌های بحث برانگیز در مورد مقررات مربوط به دیه بود. تقویم میزان دیه به پول براساس فتوای مقام رهبری. در سال ۱۳۸۲ برقراری دیه یکسان برای اهل کتاب به تصویب رسید. مساوی شدن عملی دیه زن و مرد و مسلمان و غیر مسلمان در حوادث مربوط به وسایل نقلیه موتوری از سال ۱۳۸۷ از تحولات مهم می‌باشد. در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۷ قانون اصلاحی مربوط به بیمه اجباری میزان دیه مرد و زن و مسلمان و غیر مسلمان با عنوان پرداخت خسارت بدنی، یکسان شد. بازنگری قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ و ویژگی‌های مربوط به دیه، پس از سال‌ها مطالعه و بررسی فقهی و حقوقی و با انتظار ایجاد تحولاتی متناسب با مقتضیات روز، سرانجام در اردیبهشت ماه ۱۳۹۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسید و به مرحله اجرا در آمد در مورد دیه، اندک تحولی ایجاد کرد.

حسین مهرپور

بنابر اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها، باید براساس موازین اسلامی



باشد...»، یکی از وظایف مهم مجلس، وضع و تصویب و یا اصلاح قوانین مختلف بر مبنای موازین اسلامی بود. در جمهوری اسلامی قانون مجازات عمومی، طبق آنچه در کتب فقهی ذکر شده بود، به قصاص، حدود، دیه و تعزیرات تقسیم بندی شد و در تمام زمینه‌ها، فتاوای فقهی به صورت مواد قانونی تنظیم و تصویب شد و به مرحله اجرا در آمد و بارها بنابر مقتضیات مورد تجدید نظر و اصلاح واقع شد. دیات مشتمل بر ۲۱۱ ماده و ۲۹ تبصره در سال ۱۳۶۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در سال ۱۳۷۰ همراه با کلیات، حدود و قصاص با عنوان قانون مجازات اسلامی، تصویب شد، دیه به عنوان مالی که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا اولیای دم

چیستی دیه و آثار آن

فقه‌های معاصر چون آیت‌الله العظمی منتظری (ره) و آیت‌الله العظمی صانعی و... قائلند که دیه ماهیتی صرفاً مدنی دارد. دیدگاه دوم، در مقابل طرفداران دیدگاه ماهیت مدنی دیه، عده‌ای از حقوقدانان نیز به «مجازات بودن دیه» قائل هستند و دیه را صرفاً یک کیفر جزایی می‌دانند. برخی از حقوقدانان، از جمله دکتر ناصر کاتوزیان، برای دیه ماهیتی دوگانه قائل و دیه را دارای جنبه کیفری و هم جنبه جبرانی می‌گیرد.

اعتقاد به ماهیت جبران خسارت برای دیه و پذیرش آن بهترین گزینه در این باره است.

عبدالله امیدی فرد

دیه مقدر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است.



در کتب فقه‌های پیشین بحث از چیستی و ماهیت دیه مورد توجه نبوده است. دو دیدگاه در باره چیستی دیه در بین فقها وجود دارد. دیدگاه جبران خسارت بودن دیه، که

ماهیت دیه و ارش

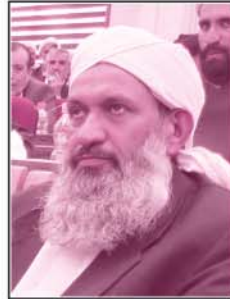
ارش، وجود دارد، دسته‌ای آن را جبران کننده خسارت وارده می‌دانند و بعضی دیگر آن را نوعی مجازات و عقوبت برای جانی دانسته‌اند. پرسش این است که دیه در اسلام و مجازات است یا عوض مالی، یا هر دو تا؟ روایات در این باره متفاوت است. اصلاح رفتار و تربیت اجتماعی و نهادینه کردن عدالت و اصلاح در جامعه در پرتو اجرای قانون دیه متصور است. و ضامن حفاظت ضروریات بشری و کنترل و ممانعت از بروز و تکرار حوادث زیان‌بار در جوامع بشری خواهد بود.

قاضی عبدالحلیم

خون انسان دارای ارزش است و به هیچ نحوی نباید پایمال گردد و قاتل یا خانواده اش باید خون بهای کشته شده یا خسارت جراحات وارده را بپردازند.

قانون دیه و ارش تضمین

کننده، حقوق انسان است. دو دیدگاه درباره ماهیت دیه و



دیه در فقه حقوق بشر

فقهی را تشکیل می‌دهد و کرامت «انسان به ماهو انسان» مبنای درون دینی دارد و باید کل فقه سنتی بر پایه آن دگرگون و بازآفرینی شود. استاد ما فرمودند: «ما مطلب را مطرح کردیم و تتبع آن را به فضلا وامی‌گذاریم» یا: «من تقاضا دارم که چون فرصت تتبع پیدا نکردم این سؤال که انسان کرامت ذاتی دارد یا نه را تتبع کنند».

حضرت آیت‌الله صانعی نیز با اجتهاد نوینی درباره برابری دیه زن و مرد و مسلمان و غیر مسلمان راه بازنگری را گشوده‌اند و چون در کتابچه مستقلی منتشر شده حاجتی به تکرار نیست و طالبان را بدان ارجاع می‌دهم.

با التفات به اینکه دیه، انتقاداتی را در میان برخی حقوقدانان و فعالان حقوق بشری برانگیخته و آن را مصداق تجارت جان و انسان تلقی کرده‌اند، مقاله «دیه در فقه حقوق بشر» ضمن آسیب‌شناسی دیه و پرداختن به ۱. ابهام در ماهیت؛ ۲. دیه‌های نجومی؛ ۳. اخاذی در پوشش دیه؛ ۴. نارسایی‌های قوانین موجود در ایران، به این پرسش‌ها می‌پردازد که برآستی دیه چیست؟ آیا تنافری با حقوق بشر دارد؟ ماهیت آن مجازات است یا جریمه؟ اگر در شمار مجازات‌ها است آیا از نوع مجازات‌های ناقض کرامت انسان است؟ در این گفتار از مطالعات کتابخانه‌ای و تاملات و نیز تجارب عملی، توأمان بهره گرفته شده است.

عمادالدین باقی

دیه هم یک موضوع جامعه شناختی است، هم تاریخی و نیز یک موضوع فقهی - مذهبی و یک موضوع حقوق بشری. در این مقاله به دیه از منظر حقوق بشری پرداخته می‌شود. نگارنده سال‌هاست

با الهام از واپسین نظریه‌ها و اجتهادات استاد عالیقدر و فقیه بی‌بدیل حضرت آیت‌الله منتظری، اصطلاح فقه حقوق بشر را برای تمایز با فقه رایج پیشین به کار می‌برد. فقه حقوق بشری آن است که شالوده اصلی‌اش بر کرامت انسان به ماهو انسان است در برابر فقه تقلیل‌گرا که کرامت انسان را به مؤمنان فرو کاسته و در واقع مبتنی بر کرامت مؤمنان است نه کرامت انسان و به عبارت دیگر «غیر مومن» را انسان نمی‌شناسد.

نگارنده تعمد دارد اصطلاح فقه سنتی را به کار نبرد زیرا این اصطلاح واجد نوعی ارزشداوری و اغواگر است و از سویی فقیه عالیقدر نیز یک فقیه سنتی بود لذا مرجع آن است که «فقه رایج پیشین» یا «فقه تقلیل‌گرا» را در برابر فقه حقوق بشر به کار ببریم.

فقه حقوق بشر یعنی فقهی که رکن رکن آن کرامت انسان بماهو انسان است و مبنا و معیار حاکم بر احکام



احکام دیه در فقه شافعی

اعتراض است که فقها بدون توجه به اصل کرامت انسانی و اجرای عدالت و مساوات و نصوص قاطع دینی و صحیح دچار تناقضات فراوانی در این باره شدند که لازم است فقهای امروزی با توجه به شرایط عصر حاضر، منصفانه و شجاعانه تلاش نمایند، این معضل را حل کنند. در این مقاله تلاش شده است نظرات و دیدگاه‌های امام شافعی و مذهب شافعیه مورد بررسی قرار گیرد و تفاوت‌های برخی از مسائل با دیگر مذاهب توضیح داده شود. دیه قبل از اسلام در بین عرب‌ها معمول بوده است و اسلام آن را تأیید کرده است و دیه در ارتباط با قتل خطا و شبه عمد بیشتر متصور است و جمهور فقها در پرداخت دیه مسلمان، ذمی یا مستأمن متفقند مذهب شافعی در خیلی از موارد با دیگر مذاهب متفق و در برخی موارد، اختلاف دارد.

جلال جلالی زاده

از آن جایی که دین اسلام متضمن پاسخ‌گویی به همه نیازهای بشری و تأمین‌کننده قوانین و دستورات لازم جهت رفع مشکلات مختلف می‌باشد، در باب حفظ جان انسان‌ها و عدم تعرض به دیگران قوانینی را وضع نموده است. در زمان پیامبر ﷺ و خلفای راشدین، به سبب حضور شارع و اجماع صحابه اختلاف کمتری درباره مسائل وجود داشت، اما بعدها به سبب نبودن حکومت اسلامی و پراکندگی فقها، اختلافات فقهی بیشتر شد. یکی از آن موضوعات، بحث دیه است که متأسفانه یکی از موضوعات بحث برانگیز و مورد اشکال و

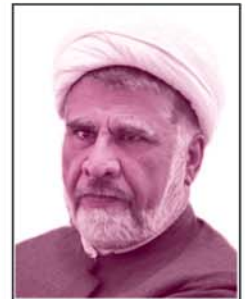


قانون دیه در جاهلیت و اسلام

شده بود. و یکی از قوانین مهمی که در دوران پیشا اسلام در جزیره العرب مطرح و مورد عمل قرار می‌گرفته، دیه عاقله می‌باشد از پرسش‌هایی که در این عصر مطرح است اینکه آیا سلسله احکامی که در دیه مطرح می‌باشد از قبیل: نابرابری دیه زن و مرد، تفاوت دیه مسلمان و غیر مسلمان و یا تفاضل دیه در ماه‌های حرام که در فقه آمده در شرایط امروز قابل اجرا است؟ این مقاله بیشتر به تبار شناسی و تاریخ تشریح و پیشینه قانون دیه پرداخته تا از این رهگذر دریابد (حکم دیه از احکام تاسیسی اسلام نیست، و از جاهلیت وارد اسلام شده است).

محمد تقی فاضل میبیدی

ریشه‌یابی پاره‌ای از احکام امضایی اسلام که در جاهلیت وجود داشته است، هر پژوهشگری را کمک می‌کند تا شرایط زمانی و مکانی تشریح احکام را بداند. از مسایل مهم شریعت اسلام قانون دیه می‌باشد. می‌دانیم که این قانون از احکام امضایی است که در جاهلیت به دست بزرگان عرب وضع



واکاوی فتاوی خلاف مشهور (شاذ) در دیه

فتاوی مشهور فقهاء، فتاوی غیر مشهور نیز در ابواب فقه و از جمله احکام دیه دیده می‌شود. احکام شریعت به احکام ثابت و متغیر تقسیم می‌گردد. دیه از احکام متغیر شریعت می‌باشد و بدین خاطر مجتهد می‌تواند در مقام استنباط به نتایجی برخلاف فتاوی مشهور برسد. فتاوی خلاف مشهور پیامدهای ناگواری برای صاحب فتوا را موجب می‌شود. ریشه اختلاف فتاوا، در عواملی چون تعارض روایات، توجه یا عدم توجه به زمان و مکان، عرف، شخصیت و مکتب فقیه باز

رضا احمدی

این مقاله درباره فتاوی خلاف مشهور یا شاذ در دیه می‌باشد. قانون دیه در بین ملت‌های مختلف قدیم و جدید وجود دارد. اسلام قانون دیه عصر جاهلیت را با اصلاحاتی پذیرفت. در کنار



می‌گردد. در این مقاله به فتاوی‌ای خلاف مشهور در بین قدما و چند تن از فقهای معاصر پرداخته و هجده نمونه از فتاوی‌ای شاذ فقهای قدیم ذکر شده است، این فتاوا معمولاً در مسایل جزئی می‌باشد. هر یک از گروه فقهای قدیم و معاصر در فتاوی‌ای خلاف مشهور خود دارای مبانی خاص به خود هستند. آیات: صناعی، غروی و منتظری جزو فقهای معاصر هستند که در موضوع دیه دارای فتاوی‌ای خلاف مشهور می‌باشند و هر یک از آنها در افتاء دارای مبانی خاص به

خود هستند. برای مثال آیت‌الله صناعی که بیشترین فتوا را در این زمینه دارا می‌باشد، دارای مبانی کرامت انسان است، آیت‌الله منتظری حق شهروندی را مبنا قرار داده و آیت‌الله غروی توجه به قرآن و زدودن پیرایه‌ها از احکام اسلام را، مبانی فتاوی‌خویش قرار داده است. برخی از فتاوی‌ای خلاف مشهورمانند: برابری دیه مسلمان و غیرمسلمان، عدم تفاوت دیه زن و مرد، تخصیص تغلیظ دیه در ماه‌های حرام و ... می‌باشد.

تغلیظ دیه در ماه‌های حرام

سید محمدعلی ایازی

تغلیظ دیه به معنای تشدید جریمه خون‌بها در ماه‌های حرام و یا اماکن مقدس و یا در میان بستگان نسبی است، مطابق نظر فقها و روایات اسلامی هرگاه جنایات چه به صورت خطا و چه به صورت



عمد و به جای قصاص، در یکی از ماه‌های حرام و یا در حرم مکه - بنا بر نقل مشهور- واقع شود، باید علاوه بر دیه کامل، ثلث دیه را هم به عنوان تغلیظ ادا کرد. این تغلیظ و مجازات بیشتر، در فقه و حقوق سابقه دیرین دارد و اختصاصی به جنایت ندارد. کفارات نوعی از همین مجازات و جبران گناه است که افزون بر انجام تکلیف روزه دو ماه و یا پرداخت هزینه بیان شده است. در حج نیز این کفاره وجود دارد. در قوانین حقوقی و جزایی، بنا بر مصالح عقلایی احکامی در جهت تشدید مجازات وضع می‌شده است. یعنی برای پیشگیری، مالی از طرف جانی به مجنی علیه - که اگر عضوی از دست

داده باشد - و یا به ورثه او - اگر کشته شده باشد - به مقداری که در روایات آمده پرداخت می‌شود. اما این پرسش مطرح شده که اولاً مبانی این حکم کجا است؟ و ثانیاً، ابدی و دائمی برای همه مناطق و زمان‌ها است، یا در محدوده اماکن اعمال حج و حکم حکومتی و ولایتی شهر مکه و مسیرهای منتهی به آن بوده است؟ در این تحقیق با بررسی آیات و روایات، به دنبال اثبات این حکم و کشف ملاک آن برآمده و بیان شده که همه شواهد و قرائن نشان می‌دهد باید مبانی تغلیظ دیه را مناسب با احوال آن مردم دانست؛ زیرا هدف از جعل این حکم غیرتعبدی و امضایی این بوده که در همان مناطق اعمال حج، به شخص آسیب‌دیده برای جبران خسارت مالی، مالی افزون بر دیه برای مواظبت در کار و رفتار پرداخت شود و ملاک اصلی کلیت، دیه جبران خسارت، پیشگیری از خطا و جرم هم‌مین است و نیز روایاتی که در مقام تعیین قیمت برآمده‌اند، آنجا که مقدار تشدید دیه مطرح شده نیز، ناظر به همین ملاک اصطیادی و استنباطی از نصوص است. بنابراین برای توسعه این حکم در مناطق دیگر و یا تشدید دیه برای کسانی که خارج از این محدوده هستند، دلیلی وجود ندارد.

واکاوی تغلیظ دیه در ماه‌های حرام و در منطقه حرم

احمد عابدینی

روش مقاله گزارشی - تحلیلی است که با بهره‌گیری از منابع شیعه و اهل سنت به جمع‌بندی رسیده است. ابتدا به تحلیل ماه‌های حرام و غیر حرام پرداخته و نتیجه گرفته است، تفاوتی



میان مقتول در ماه حرام و غیره وجود ندارد، زیرا ارزش انسانی که ماه حرام در تصادفی کشته شده است از فردی که در ماه دیگری کشته شده بیشتر نیست همچنین خسارت وارده هم ثابت است. اگر مبانی تغلیظ حکمت آن که هتک حرمت ماه حرام یا حرم باشد کسی که ترمز ماشینش در یکی از شهبای ماه رجب بریده، چه هتک حرمتی کرده است؟ عاقله قاتل خطایی چه هتکی مرتکب شده‌اند؟ زیرا هتک از عناوین

قصديه است.

در ادامه با استناد به آیات و روایات و نیز فتاوی فقهای شیعه و اهل سنت به تحلیل پرداخته است.

هیچ آیه‌ای در قرآن به گونه‌ی صریح یا ظهور یا حتی احتمال بر تغلیظ دیه دلالت ندارد و سنت متواتری نیز در این مورد وجود ندارد. فقط چند روایت وجود دارد که مبنای تغلیظ دیه در ماه‌های حرام و در منطقه حرم قرار گرفته است که سند دلالت آنها قابل مناقشه است.

روایات اهل سنت اشاره‌ای به تغلیظ دیه در ماه‌های حرام نشده است

از پنج روایت باب ۳ از ابواب دیات النفس به سه روایت تقلیل یافت و فقط روایت کلیب بصورت اجمال بر تغلیظ

دیه در ماه‌های حرام دلالت دارد.

چند رویکرد در موضوع وجود دارد، دسته‌ای منکر تغلیظ شدند و برخی تغلیظ را بگونه‌ی دیگری معنا کردند و برخی اصلاً آن را ذکر نکردند و عده‌ای با آن مشکوک برخورد کردند و برخی برای آن دلیلی عقلایی رو آورده اند.

آنچه مسلم است اینکه دیه‌ی قتل خطایی چه در حرم و چه در غیر آن تغلیظ نمی‌شود و تغلیظ دیه به خاطر زمان یا مکان بدعتی است.

بنابراین چون دلیل محکمی بر تغلیظ یافت نشد، پس لازم است ماده‌ی قانونی ۵۵۵ و ۵۵۶ اصلاح شود.

رؤية نقدية إلى حكم ضمان العاقلة في مثل أعصارنا

رحيم نوبهار



یری جمهور الفقهاء من مختلف المذاهب الاسلامية أن عاقلة الجاني ضامن للجنايات الخطائية. فإنهم وإن اختلفوا في بعض فروع المسألة كهية هذا الضمان و تعيين العاقلة بالضبط و مدى مسؤولية كل فرد من أفراد العاقلة؛ إلا أن أصل الضمان ما تسالموا عليه إذا أغمضنا النظر عن مخالفة مثل الخواارج و الاصم. و الفقهاء الامامية يذهبون إلى ما عليه الجمهور. فإني ما رأيت - فيما بحثت - أحدا يخالف هذا الحكم إلا بعض الفقهاء المعاصرين - دام مجده - والمسألة بالرغم مما عليه من التسالم لا يزال موقع إجتهد و نظره؛ و ذلك لأن الاجماع في المسألة مستند في نهاية المطاف إلى النصوص و إغلاق باب الاجتهاد في مثلها ما يستند المجمعون إلى النص يؤدي إلى سد باب الاجتهاد.

هذا المقال يناقش الحكم المشهور و ينقدها من ثلاث جهات، الاولى: من ناحية مبدأ أن العقوبة شخصية و أن لا تزر وازرة وزر أخرى. والقاعدة هذه ما تؤكد العقل و العديد من الآيات القرآنية. و هي ما لا تقبل الاستثناء كما هو قضية كل حكم عقلي. فتسليم القاعدة ثم القول بتخصيصها بأدلة ضمان العاقلة ليس سهلاً كما يزعمه المشهور؛ الثانية: من ناحية أن

هناك شواهد تدل على أن ضمان العاقلة كان معاقلة و معاقلة إختيارية في النظام القبلي و من الطبيعي أن الاسلام الذي يؤكد دائماً روح التعاون و التضامن لا يرفض مثل هذا التعاون بل يحرض الناس على الالتزام به؛ لكن هذا لا يعني في حد ذاته أن ضمان العاقلة من أحكام الشرع. فإن حكم الشارع بالنسبة إلى كل عقد جامع للشرائط هو وجوب الوفاء كما هو مقتضى مثل قوله عز اسمه: «يا أيها الذين آمنوا أوفوا بالعقود». لكن هذا لا يعني أن الاقدام على العقد و التعاهد بنفسه واجب. فالعاقلة ضامن قضاء لما عاقلوا عليه إختياراً ضمن عقد المعاقلة. و الظاهر أن جعل الضمان على أهل الديوان بدلاً عن العاقلة كما شاع في العصور المتأخرة عن التشريع النبوي، كان لنفس الدليل و أن الناس انفسهم تراضوا على هذا التضامن و التعاهد؛ الثالثة: لو تنزلنا عن كون ضمان العاقلة معاقلة إختيارية فلا أقل من كونه ما لم يؤسس الشارع الاقدس و إنما أمضاه بما كان دارجاً مقبولاً لدى الناس في عهد التشريع الاسلامي. فالشارع أمضاه بقيد أنه كان مقبولاً دارجاً. فالرواج و القبول العقلاني كجزء الموضوع للحكم الشرعي؛ فإذا زال القيد زال جزء موضوع الحكم و معه لا مجال عقلاً لبقاء الحكم، كما هو قضية كل حكم زال موضوعه كلياً أو جزئياً؛ فإن المركب كما يتنفي بانتفاء جميع أجزائه يتنفي أيضاً بانتفاء بعض أجزائه. فالقول بعدم ضمان العاقلة في مثل زماننا قوي له مبراه و أدلته الخاصة.

روزآمد کردن دیه عاقله در فقه اسلامی

امضای شارع مقدس قرار گرفته است. برای بررسی چگونگی مسئله در آغاز، نویسنده پس از بحث تاریخی و مفهوم شناسی، به سراغ قرآن و دیدگاه مفسران آن رفته و سپس به بررسی روایات و احکام آن می‌پردازد. در این نوشته هدف این است که اولاً اصل و قاعده روشن شود و آنگاه جایگاه روایات و قلمرو آن در دیه عاقله و هدف این سنت عقلایی که نوعی قرارداد اجتماعی بوده مشخص گردد و بر این اساس، پس از ملاک‌یابی این حکم اگر به این نتیجه رسیدیم که در دوره‌ای که آن قرارداد اجتماعی ظرفیت و کاربردی نداشته و حتی غیرقابل اجرا است، بازسازی و برای روزآمد کردن آن روش عقلای جهان، یعنی صنعت بیمه برای حمایت از مقتول و مصیبت دیده مطرح شود و در نهایت یک اصل و آن به هدر نرفتن حق خسارت دیده و مقتول و خانواده آن معیار قرار گیرد. البته الزام این روش نمی‌تواند ابدی باشد، بلکه ملاک، جبران خسارت در شکل دست یافتنی و قابل تحصیل است، چنانکه در روایات به آن تأکید شده: «فَأِنَّهُ لَا يَطُؤُ دَمَ امْرِيٍّ مُسْلِمٍ»؛ همانا خون مسلمانی باطل نشده و پایمال نخواهد گشت.

سید محمدعلی ایازی

در حقوق کیفری اسلام قاعده‌ای وجود دارد مبنی بر اینکه هرگاه جنایتی به شکل خطایی واقع شود، با وجود شرایطی، عاقله (خویشان جانی) مسئول پرداخت دیه می‌باشد. این



در حالی است که در قتل عمد مسئول جنایت، خود قاتل است و در روش و نظامات عقلایی در صورت جنایت خطایی خود شخص، مسئول و ضامن شناخته می‌شود. قرآن در سوره نساء خود خاطی را مورد خطاب قرار میدهد، بدون آنکه کسی دیگر را بازخواست کند و از او می‌خواهد دیه را بپردازد و افزون بر دیه در مواردی، کفاره هم تعیین می‌کند. اما در روایات فراوان فریقین، حکمی دیگر صادر شده که پیش از ظهور دین مبین اسلام نوعی قرارداد اجتماعی در میان قبائل و عشایر هر منطقه بوده و بنابر مصالح و فواید اجتماعی متعلق به آن زمان از اجرای آن اصل به عاقله جانی متوجه می‌شده است و این حکم و قانون، مورد تأیید و

بررسی دیدگاه‌ها درباره دیه غیر مسلمان

مسلمان دانسته اند. سه دسته روایت که منشأ سه دیدگاه در میان فقیهان شیعه شده است وجود دارد که برای جمع میان آنها، فقها راه‌های گوناگونی را طی کرده‌اند.

نگارنده در این مقاله پس از بیان دیدگاهها و نقل روایات به بررسی سه نظریه می‌پردازد و در پایان بر این اساس که نظام شهری کنونی، نظام ملت - دولت است و شهروندان دارای حقوقی برابر هستند؛ معتقدات با نظام قبیله ای پیشین که هر کس تابع مقررات قبیله بود، کاملاً متفاوت است و روایات تساوی دیه ناظر به این گونه روابط می‌باشد.

سید ابوالفضل موسویان

در حالی که فقه‌های فریقین اتفاق نظر دارند که دیه مسلمان هزار دینار یا ده هزار درهم یا صد شتر و... می‌باشد در مورد دیه غیرمسلمان اختلاف کرده‌اند. برخی دیه آنان را



برابر با دیه مسلمان می‌دانند و برخی تا هشتصد درهم پایین آورده‌اند. گرچه مقدار دیه در آیات قرآن تعیین نگردیده است اما در برخی روایات دیه غیر مسلمان را کمتر از

باز خوانی دیه غیر مسلمان در فقه شیعه

دیدگاه‌های فقهای شیعه، بطور خلاصه مقایسه‌ای صورت گرفته است. همچنین به دیه غیر مسلمانان در قوانین جمهوری اسلامی ایران اشاره شده است. پس از آن، دلایل دو دیدگاه اصلی و نقد آن‌ها آمده است که عبارتند از: الف - قول مشهور فقهای شیعه که دیه اهل ذمه (یهود، نصارا و محبوس) را هشتصد درهم می‌دانند.

ب- برابری دیه غیر مسلمان با دیه مسلمان. پس از بیان دلایل و نقد دو دیدگاه فوق در پایان نتیجه‌گیری شده است که: در کشورهای جهان معاصر از جمله کشورهای اسلامی، روابط اقلیت‌ها و اکثریت بر اساس اصطلاحاتی چون ذمی، معاهد، مستأمن و امثال آن تعریف نمی‌شود که ما خود را برای تعیین دیه آن‌ها، محدود به این عناوین بدانیم بلکه این روابط در جهان معاصر و همه کشورها براساس شهروندی غیر شهروندی تعریف می‌شود. در نتیجه تفاوت در دیه اقلیت‌ها و اکثریت و یا غیر مسلمان و مسلمان وجود ندارد.

حسنعلی نوربها

این مقاله، به شیوه گزارشی - تحلیلی و بر اساس روش فقهی و در چهارچوب منابع آن، موضوع را بررسی کرده است.

با این توضیح که ابتدا آیه دیه بررسی و پس از آن، به روایات شیعه درباره موضوع

پرداخته شده است. این روایات، مجموعاً چهار نظر درباره دیه غیر مسلمان مطرح کرده اند. در روایات اهل سنت نیز، افزون به چهار نظر فوق، دیدگاه دیگری اضافه شده است که مجموعاً پنج نظر می‌شود.

در ادامه، دیدگاه‌های فقهای شیعه آمده است که مجموعاً سه دیدگاه می‌باشد. به مناسبت اشاره‌ای هم، به دیدگاه‌های فقهای اهل سنت شده و بین آن‌ها و بین



مرجع ضامن پرداخت دیه

گرامتی که جانی باید، در مقابل جنایت خطایی پرداخت نماید. بنابر اصل اولی جانی مسئول پرداخت، دیه است. در کنار جانی، سه مرجع دیگر ضامن جریره، عاقله و بیت المال از پرداخت کنندگان دیه شمرده اند تا حقی از مجنی علیه ضایع نگردد. مقاله در ادامه به تحولات اجتماعی نظام قبیلگی را - که خاستگاه عاقله بود - دچار اضمحلال کرده است و در موضوعیت ندارد.

امضای حمایت عاقله توسط شارع به معنای پذیرفتن نوعی نهاد حمایتی یا به اصطلاح امروزی بیمه است، بیمه که به نمایندگی از جانی خسارت مجنی علیه ضامن است..

بهرام شجاعی

این مقاله، به شیوه گزارشی - تحلیلی و با بهره‌گیری از آیات و روایات و سنت‌های اجتماعی قبل از اسلام در چهارچوب منابع مورد بررسی قرار داده است.

پس از تبیین مفهوم دیه در لغت و منظر آیات و روایات، به موضوع پرداخت گرامت از نگاه عقل و روایات و ضرورت پرداخت آن مورد تحلیل قرار داده است و در پی پاسخ به این سوال است، اگر دیه و



بیمه مقدم بر بیت المال در عاقله یا بیمه تبلور تعاون و همیاری

مقدمه، مبانی نظری فرضیه خود را اثبات کرده است، که بر اساس عقل، سیره‌ی عقلاء و شرع هر شخص در مقابل نیازهای خویش و همچنین در مقابل اعمال و کرده‌های عمدی و سهوی خودش مسئولیت دارد.

همچنین انسان موجود اجتماعی است. از ابتدا انسان به ناتوانی خود در رویاروی با حوادث پی برد. در نظام قبیلگی ای و خانواده گسترده خانواده و قبیلگی مهمترین حامی فرد بود. در همیاری نوعی ضمان به وجود آمد،

احمد عابدینی

مقاله با روش تحلیلی بدنبال اثبات نظریه خود است.

با استفاده از مفاهیم کلی آیات قرآن و روایات به اثبات بیمه می‌پردازد. در واقع از دو مفهوم تعاون و بر استفاده می‌کند. نویسنده ابتدا با یک



که به ضمان عاقله شهرت یافت و اسلام آن را تایید کرده است. اصل تعاون و هم یاری اصل ثابت است ولی در شرایط مختلف زمانی و مکانی شکل‌های متفاوت می‌یابد. بیمه‌ها شکل نوین ضمان‌ها هستند که همان کارکردها را

دارا است. در عرف عاقله بیمه‌ها جای ضمان‌ها را گرفته‌است. با تغییر ساخت اجتماعی بیمه‌های گوناگون جای عاقله و ضمانت‌های جریره، عتق و غیره می‌گیرند.

ارش در جنایت

شده است. اما در فقه اهل سنت از این قاعده به عنوان حکومت و در برخی موارد اجتهاد نام برده شده است. در فقه فریقین ارش یا در معاملات است یا در جنایات که ارش در جنایات همانند ارش در معاملات طرح و مورد بررسی قرار نگرفته است. عمده دلیل برای مشروعیت قاعده ارش این است که نباید خون و حق مسلمان و یا هر انسانی هدر شود، به همین جهت از آنجا که دیه برخی از جنایات در شریعت مشخص نشده، باید با ارش دادن مقدار آن جنایت مشخص شده و ستم وارد شده بر مجنی‌علیه را جبران کرد. از جمله موضوعات دیگری که در این مقاله طرح می‌شود کیفیت و شیوه محاسبه ارش می‌باشد. در میان اهل سنت وهبه زحیلی دیدگاهی متفاوت برای محاسبه ارش ارائه کرده است که به نظر قابل دقت می‌باشد.

ابراهیم صالحی و ربیع الله کمري



قاعده ارش از مسلمات فقه اسلامی است و هر چند در برخی موارد یا مصادیق آن اختلاف نظر وجود دارد، ولی در اصل مشروعیت آن هیچ‌گونه شبهه‌ای وجود ندارد. در فقه شیعه از این قاعده با عنوان ارش، حکومت و در مواردی اندک با عنوان اجتهاد تعبیر

واکاوی پرداخت دیه‌های متعدد به خاطر جنایت واحد

چند عضو از اعضای او از کار افتاد در تمامی فرض‌ها حکم تعدد دیه نیست و تعدد دیه در خطایی محض وجود ندارد و بنابر دلایل شرعی و عقلایی معلوم می‌شود چنین دیه سنگینی تنها بر عهده عامد است و جانی خطایی یک دیه باید پرداخت کند. سند این روایت خوب و در فقه مورد عمل است در این روایت ضارب عمداً به سر مضروب زده است و به همین دلیل یک سال منتظر می‌ماند اگر مضروب فوت کرد، ضارب قصاص می‌شود ولی اگر نمرد، ضارب تنها یک دیه محکوم می‌شود.

احمد عابدینی

مقاله با روش تحلیل و با بهره گیری از منابع در پی نقد و واکاوی ماده ۵۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌باشد.

در ادامه از قانون مجازات و چند روایت برای اثبات

فرضیه بهره می‌گیرد. نویسنده در صدد است تا اثبات کند که اگر از روی عمد یا خطا یا شبه عمد جنایتی بر مجنی علیه واقع شد، و مثلاً نخاع او قطع شد و یا

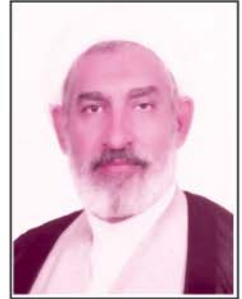


روش‌های محاسبه دیه در فقه شیعه

توجه قرار داده است. و در ادامه به این سوال پاسخ می‌دهد، آیا دیه به عنوان جبران محض خسارات امضا شده است یا جنبه جزایی هم داشته است؟ از فروعات بحث دیه موضوع تغلیظ دیه است که یکی از سنت‌های دوران جاهلیت که توسط اسلام امضا شد. چالش الهی و دائمی یا حکومتی و موقت بودن دیه مورد توجه مقاله می‌باشد. ادله دائمی بودن حکم ناتمام است ناگزیر به پذیرش موقت بودن آن هستیم، بنابراین تقدیر دیه همانند زمان پیامبر (مس) روا نیست و در این زمان بر حاکم جامع شرایط است که دیه را با توجه به شرایط زمان ارزیابی و اعلام کند. چنانکه به نظر میرسد پیامبر (ص) هم از همین موضع، عرف مستقر در زمان خودشان را امضا کردند.

بهرام شجاعی

این مقاله، به شیوه گزارشی - تحلیلی و با بهره‌گیری از آیات و روایات و سیره پیامبر اسلام و ائمه در چهارچوب روش فقهی و منابع مورد بررسی واقع شده است.



ابتدا به پس از تبیین مفهوم دیه و رویکرد تاسیس و امضاء پرداخته است. از منظر آیات و روایات بررسی واقع و دیه در اصطلاح فقیهان پرداخته است. دو واژه دیگر نیز در این باب استعمال دارد که عبارتند از: ارش و حکومت. مقاله به موضوع امضایی یا تأسیسی بودن دیه و جبرانی یا جزایی بودن دیه مورد

دیه زن در فقه

آورده شده و پس از آن دیدگاه‌های فقهی شیعه و سنی آمده است. بیشتر فقه‌های شیعه و سنی دیه زن را نصف دیه مرد و گروهی نیز، آن را مساوی با مرد دانسته‌اند. دلایل هرکدام از این دو دیدگاه، به ترتیب بیان و نقد و بررسی شده است. در پایان، نتیجه گرفته شده است که دیدگاه تساوی دیه زن و مرد، پذیرفتنی‌تر و دارای دلایل و شواهد بیشتری می‌باشد.

حسنعلی نوریها

دیه در یک تقسیم بندی کلی، به دیه نفس، دیه اعضاء و جوارح یا دیه اطراف تقسیم می‌شود. در این مقاله تنها دیه نفس از دیدگاه فقه شیعه - البته با توجه به فقه اهل سنت - بررسی شده است. به



این صورت که در ابتدا آیات و روایات مربوط به موضوع